

علم أصول الفقه

۵۴

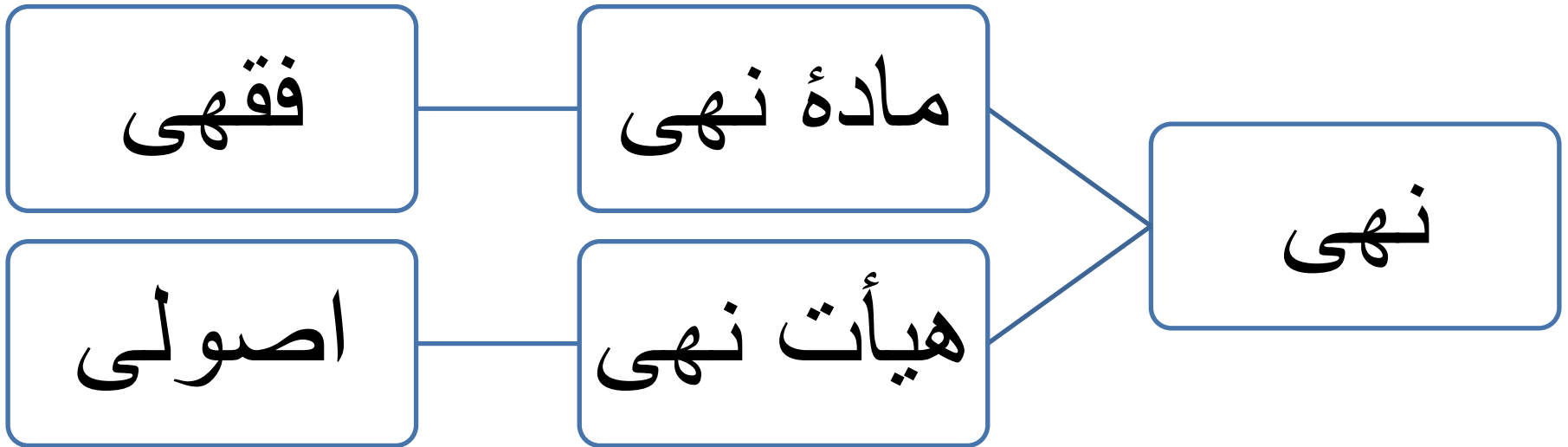
نواهی ۲-۱۱-۹۵

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

مادة نهى

هيأت نهى

نهى

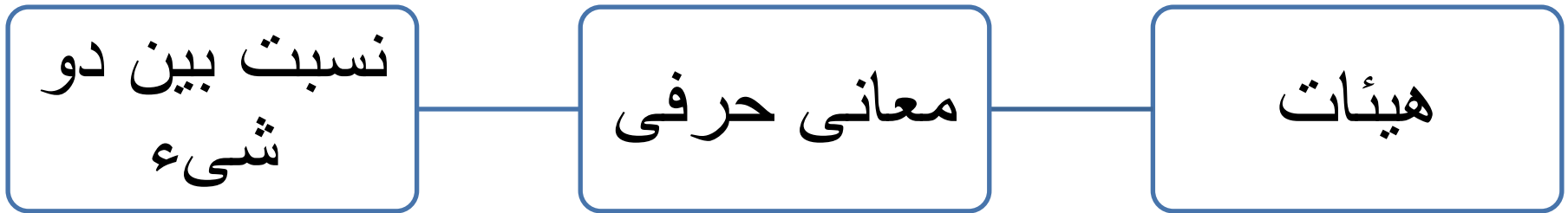


«طلب الفعل»

صيغة امر

«طلب الترك»

صيغة نهى



صيغة امر

مطابقه

نسبت بعثيه

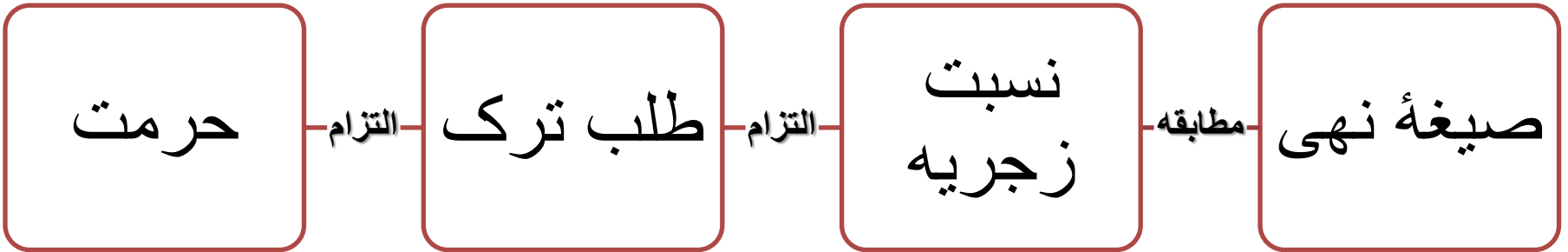
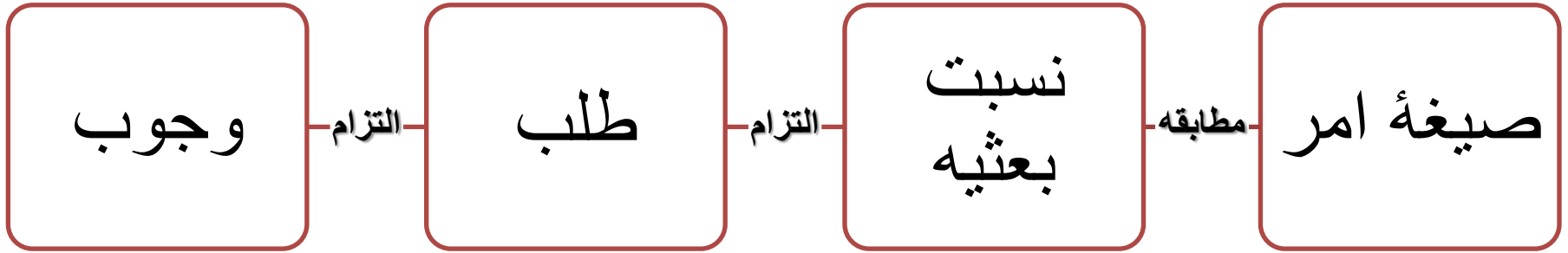
صيغة نهى

مطابقه

نسبت زجريه



هيات نهى



امر

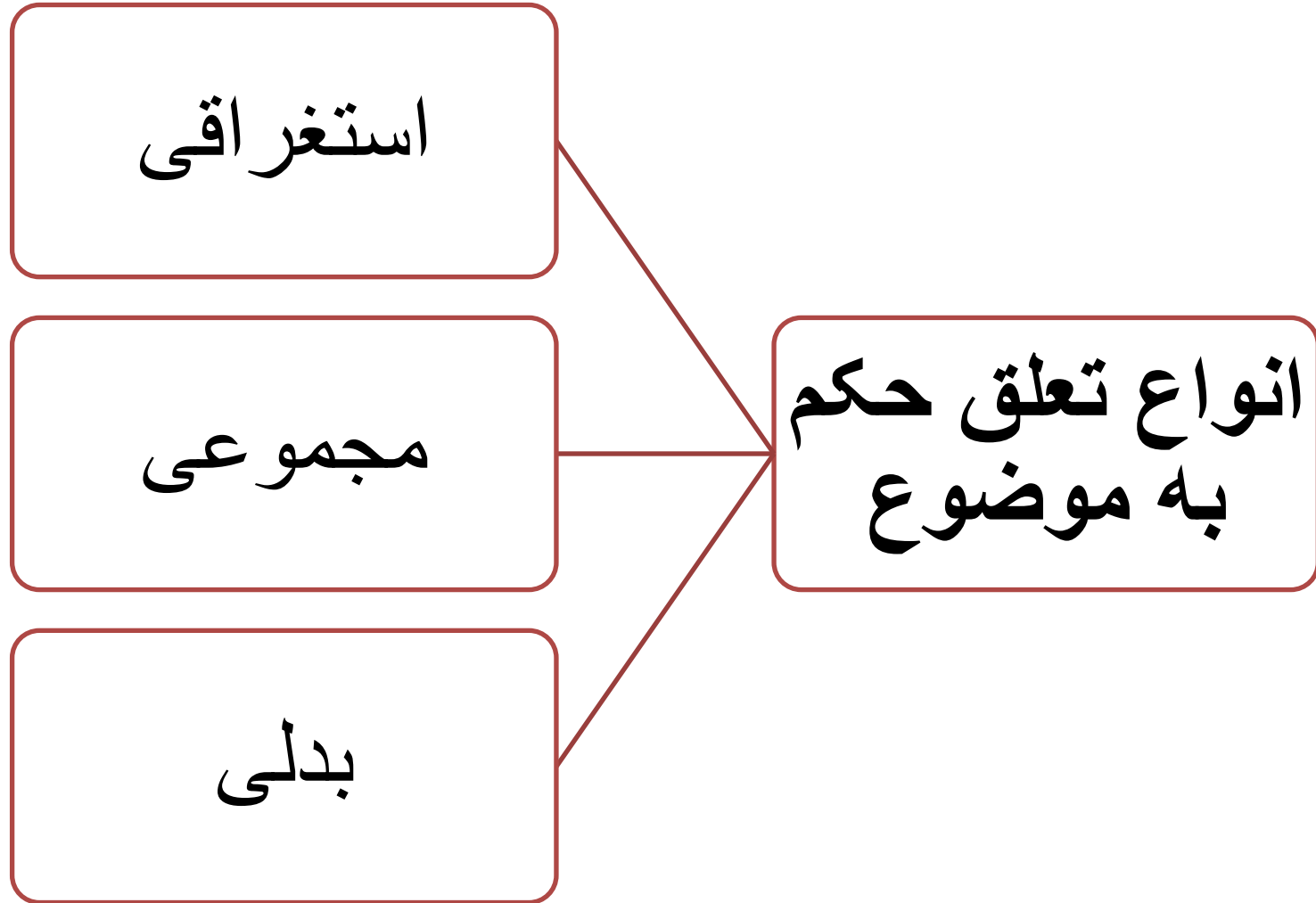
نهى

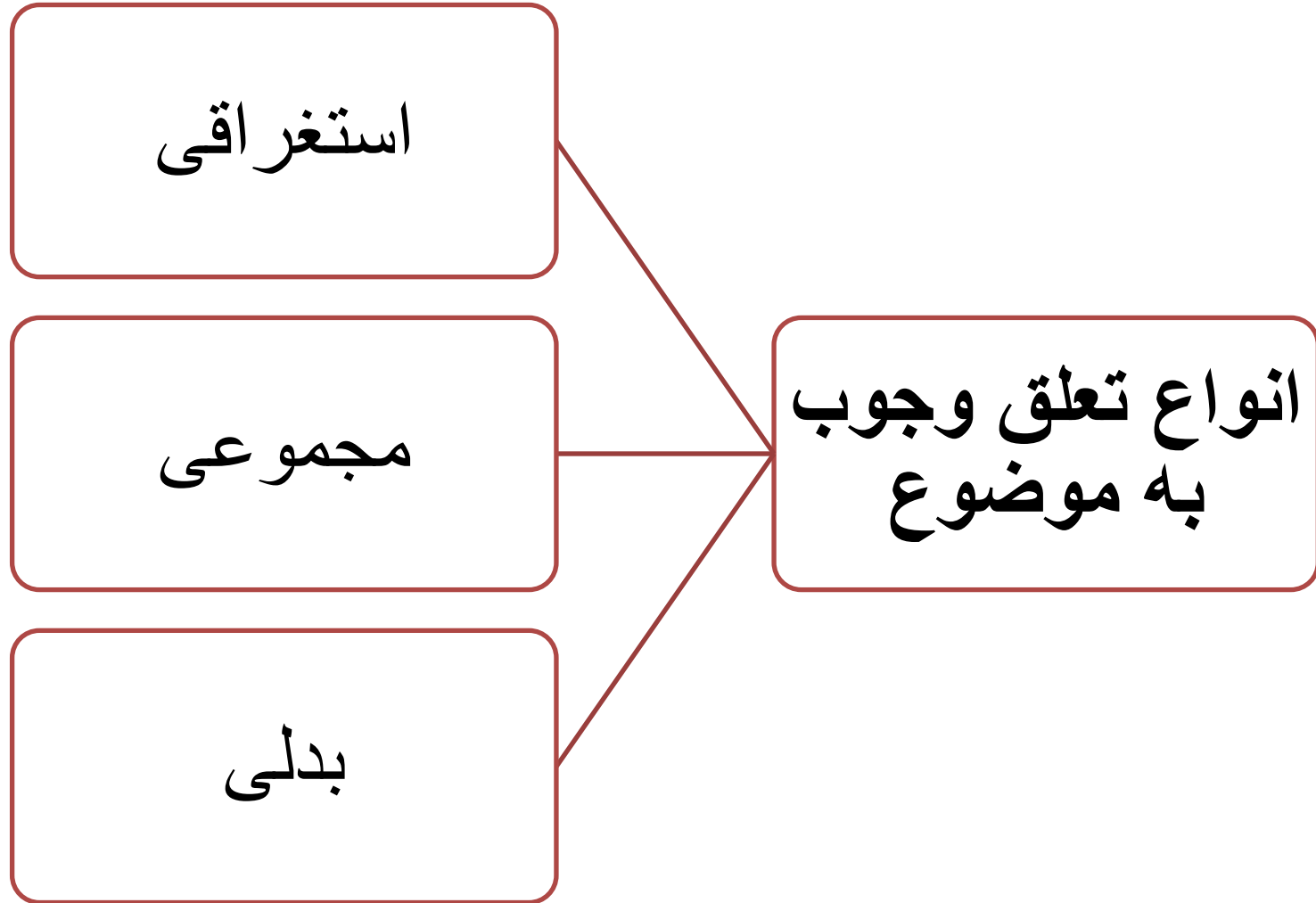
امتنان

امر

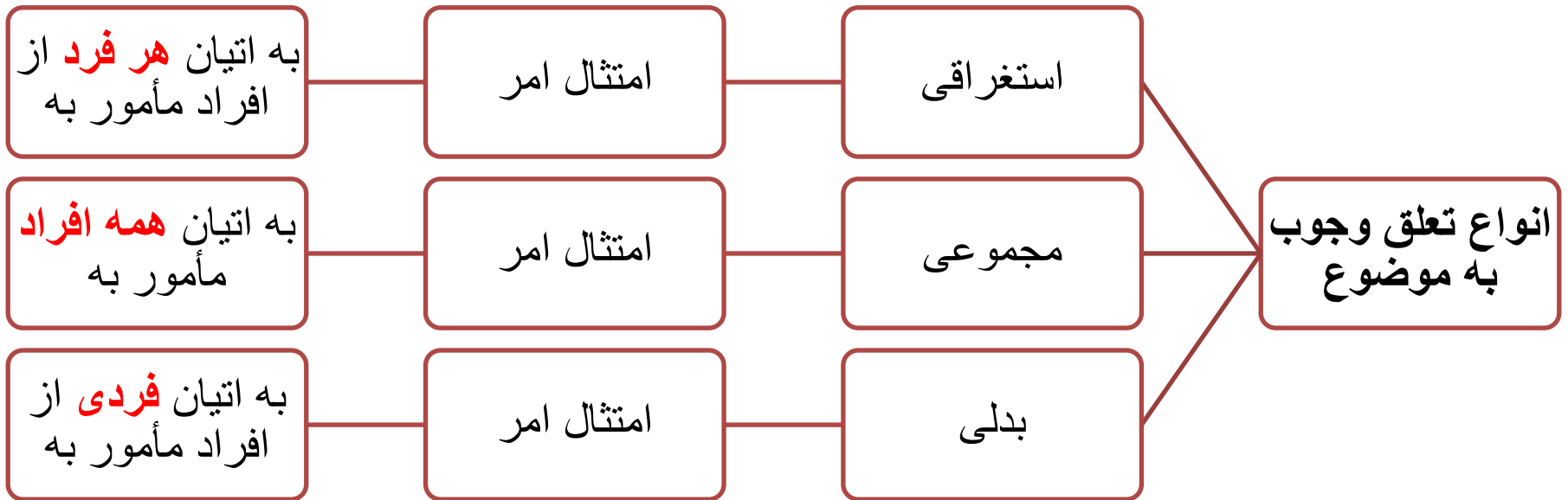
نهى

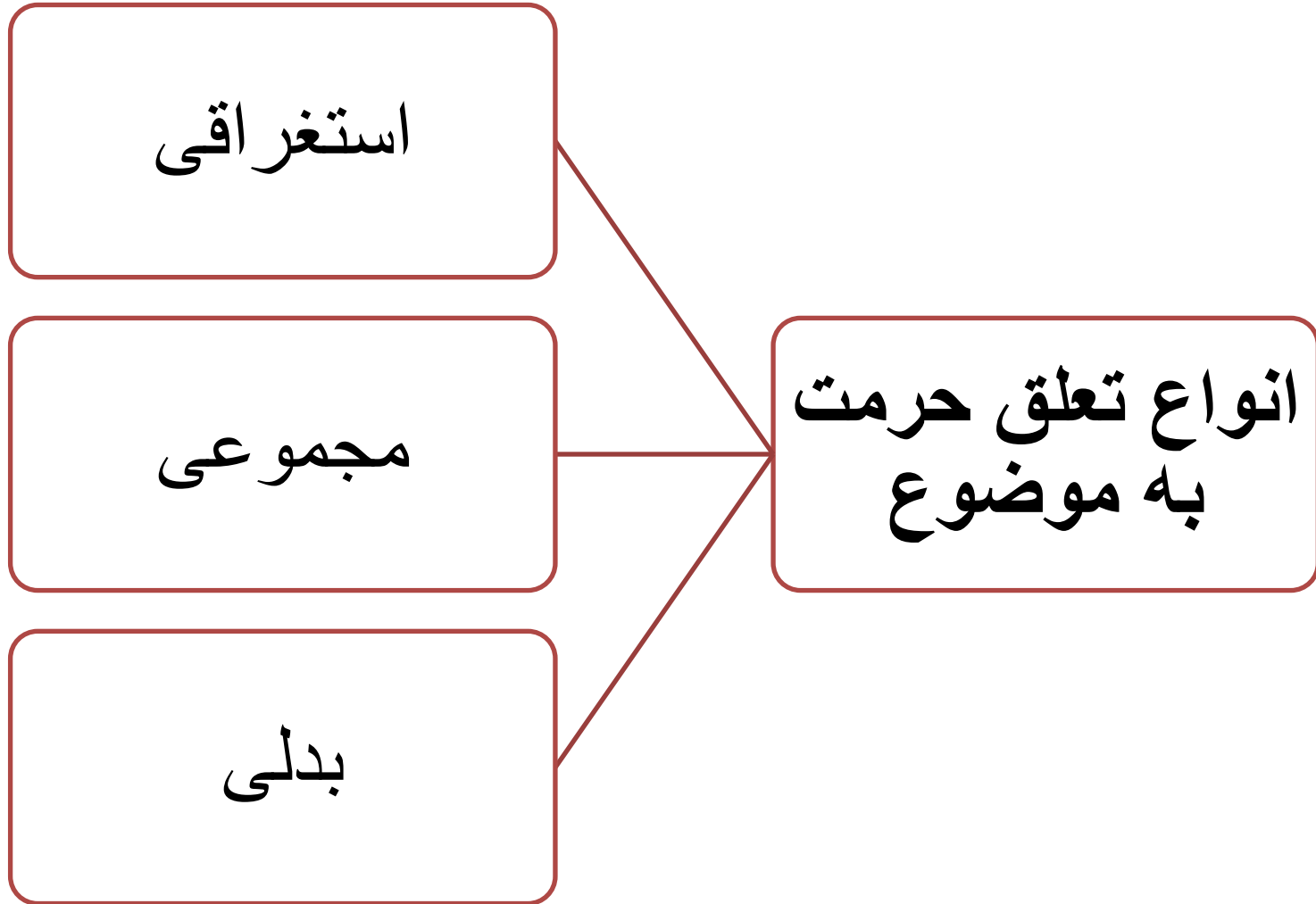
عصيان

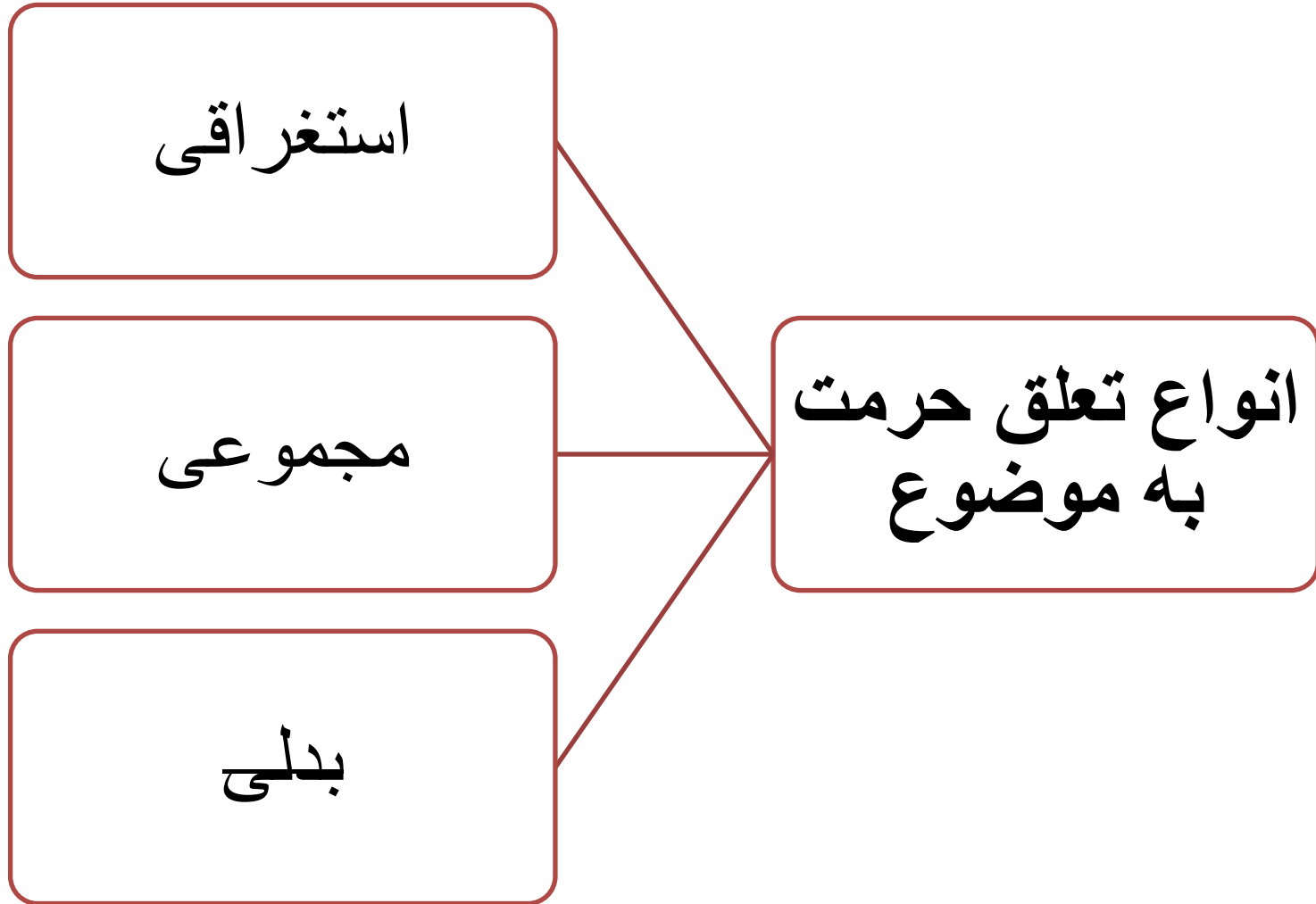


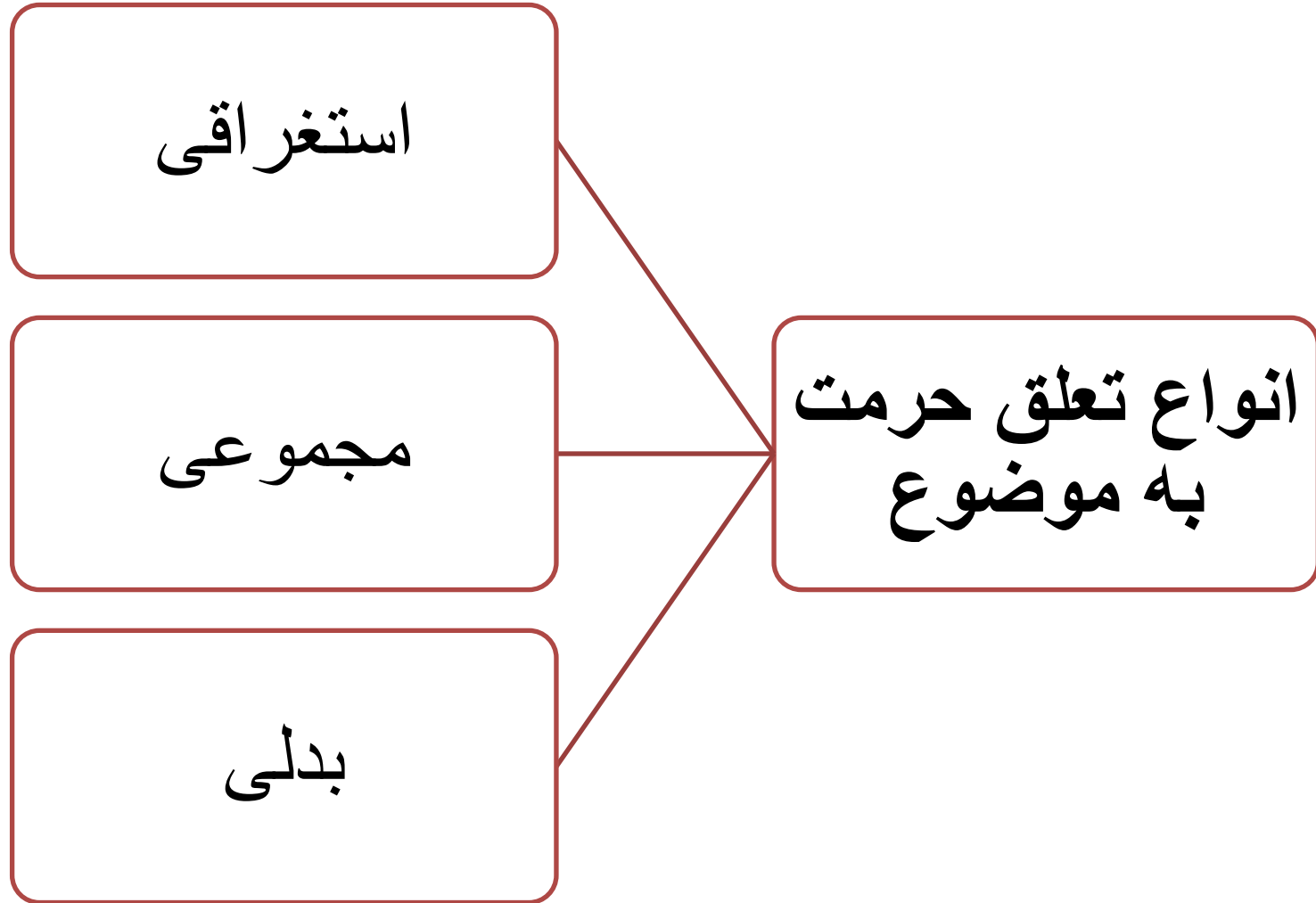


انواع حکم

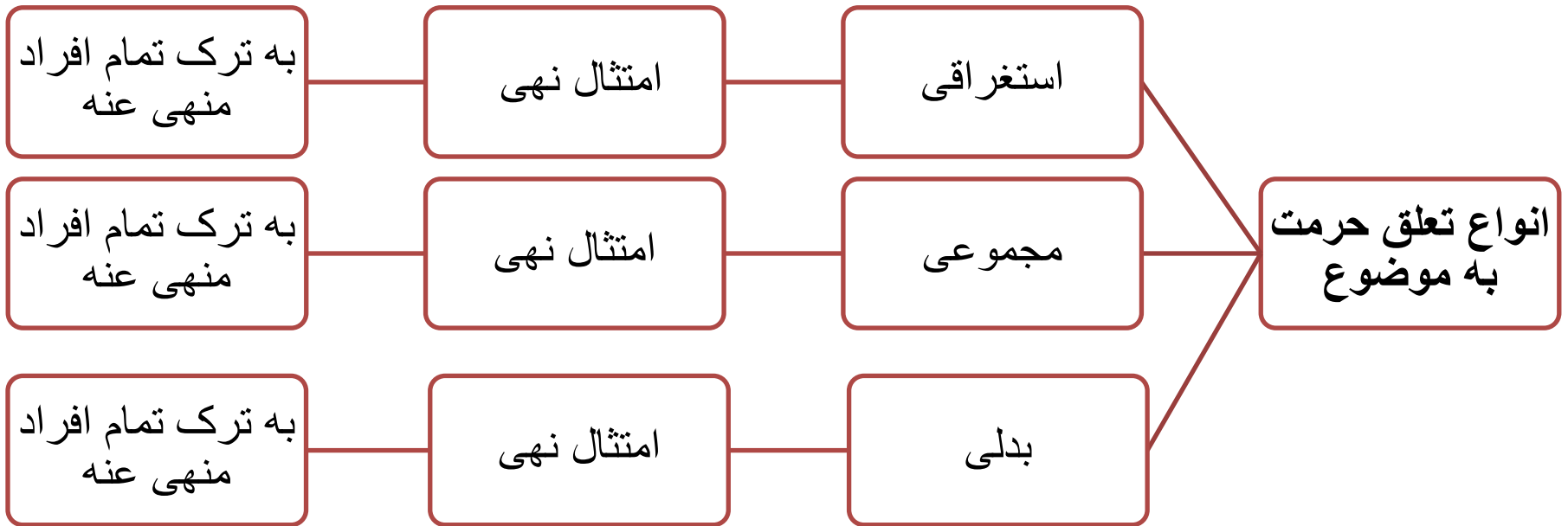




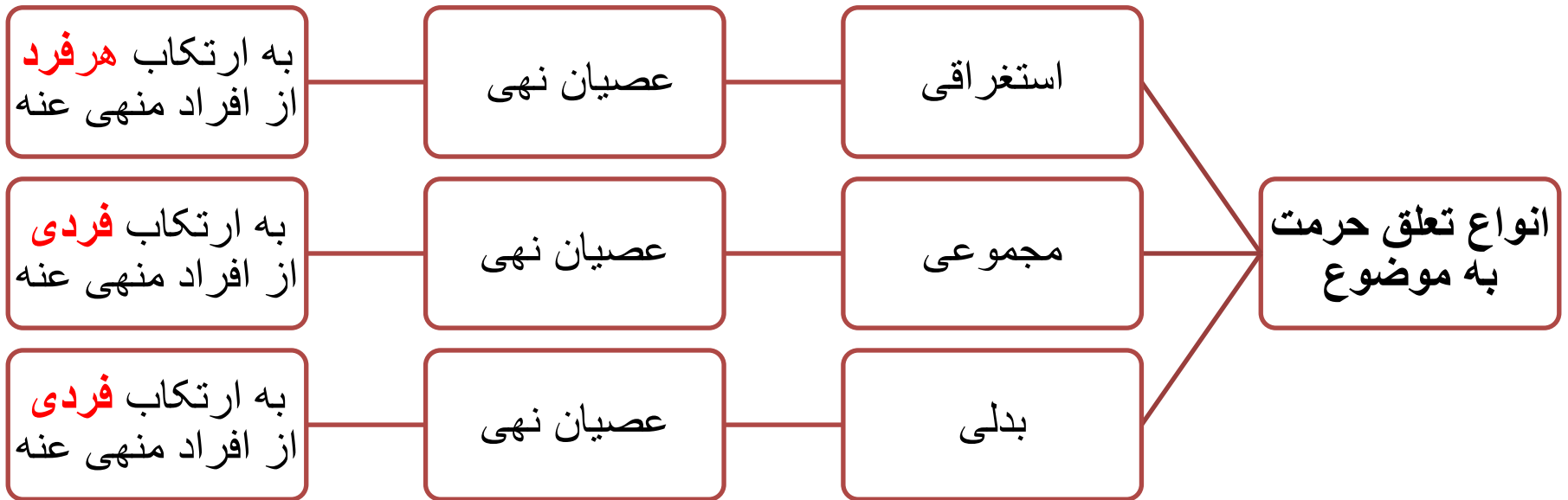




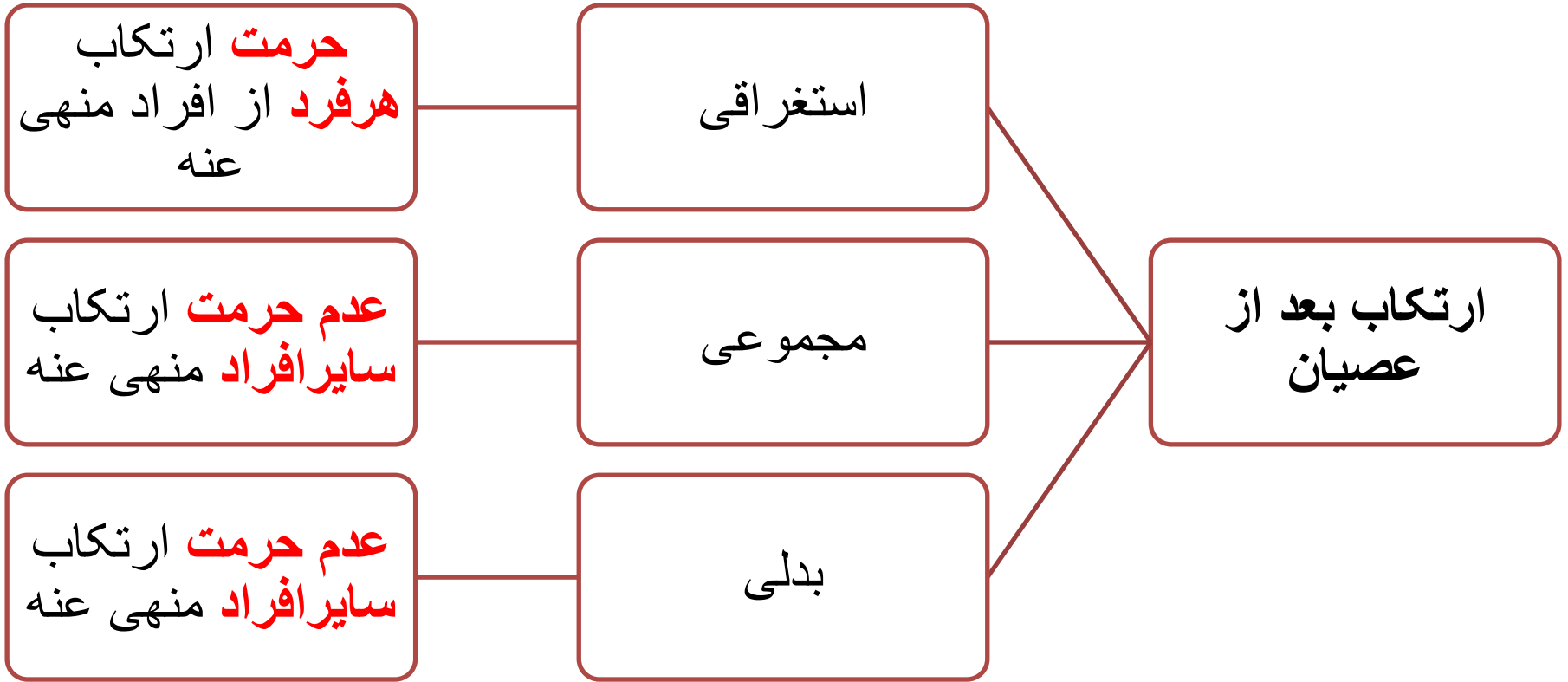
انواع حکم



انواع حکم



انواع حکم



انواع حکم

- سؤال این است که نهی به طبیعت اولیة خودش بر کدام یک دلالت دارد یا به تعبیری ظهور نهی در کدام یک از اینها است؟

انواع حکم

- دقت کنید این سؤال ناظر به انحلالی بودن یا مجموعی بودن یا بدلی بودن خود حکم است.
- اما در نهایت این را می‌گوید که آیا در ناحیه موضوع و متعلق، انحلال، مجموعیت یا بدلیت داریم یا نه؟
- معمولاً تعدد حکم به لحاظ متعلق است. به همین دلیل محور اصلی بحث در باب متعلق است؛ یعنی آیا «لا تشرب الخمر» بر حرمت یک شرب از بین شرب‌ها دلالت می‌کند یا بر حرمت همه شرب‌ها با هم و به نحو مجموعی یا بر حرمت تک تک شرب‌ها به نحو انحلالی و استغراقی؟

انواع حکم

- همچنین باید توجه داشت، بحث ما **ثبوتی** نیست، بلکه در باب ظواهر و بحث در مقام **اثبات** است؛ البته این اثبات حاکی از ثبوت است؛ یعنی اگر گفتیم نهی در استغراق ظهور دارد، معنایش این است که واقعاً هم مراد مولا همین بوده است. در حقیقت از طریق اثبات می‌خواهیم ثبوت را کشف کنیم.

هیأت نهی

- ۱. دیدگاه مرحوم آخوند
- ایشان عبارتی در بحث دارند که ظاهراً ناظر به همین مسأله است. می‌فرمایند:
- «ثم إنه لا دلالة للنهي على إرادة الترك لو خولف أو عدم إرادته بل لا بد في تعيين ذلك من دلالة» (كفاية الأصول، ص ۱۵۰)
- یعنی اگر نهی مخالفت شود و عصیان گردد، دیگر دلالتی ندارد که بر اینکه باید سایر مصادیق منهی عنه را ترک کنیم.

هیأت نهی

- در واقع می‌خواهد بگوید در فرض عصیان دیگر دلالتی وجود ندارد بر اینکه همچنان نهی باقی است یا نه در حالی که اگر مجموعی بودن نهی محرز بود، ترک لازم نبود و اگر استغراقی بودنش محرز بود، ترک لازم بود.
- پس اینکه می‌فرمایند دلالتی ندارد یعنی نهی نسبت به این مسأله ساکت است. به همین دلیل در ادامه می‌فرمایند برای اینکه تعیین کنیم آیا بعد از عصیان همچنان نهی باقی است یا نه؟ نیازمند قرینه‌ای هستیم.

هیأت نهی

- بعد می فرمایند یکی از قرائنی که می توان به کمک آن نوع حکم را استفاده کرد، اطلاق است. مثلاً در جایی که نهی گفته است «لا تشرب الخمر» و شخص عصیان کرده و در یک مورد مرتکب شرب خمر شده است، شک می کنیم آیا شرب خمر همچنان باید ترک شود یا نه. اطلاق اقتضا می کند که باید ترک شود؛

هیأت نهی

- چون «لا تشرب الخمر» دلالت می‌کند بر اینکه باید شرب خمر ترک شود و ما شک داریم آیا این مطلوبیت ترک شرب خمر بعد از عصیان هم هست یا نه؟ اطلاق اقتضا می‌کند که این مطلوبیت هست؛ چه عصیانی شده باشد و چه عصیانی نشده باشد. بنابراین به کمک اطلاق استغراق را استفاده کنیم و استغراق مفاد خود صیغه نهی نیست.
- . کفایة الأصول، ص ۱۵۰.

هیأت نهی

- بررسی دیدگاه مرحوم آخوند
- دلالت اطلاق، دلالت سکوت است نه دلالت سخن. ما از نگفتن می خواهیم استفاده کنیم که متکلم چیزی را اراده نکرده است. اما سکوت فی حد نفسه هیچ دلالتی ندارد.

هیأت نهی

- به همین دلیل همواره در موارد اطلاق نیازمند مجموعه‌ای از امور هستیم که به آن مقدمات حکمت می‌گویند و مهم‌ترین آن‌ها این است که متکلم از جهتی که مورد بحث ما است، در مقام بیان باشد. بنابراین اگر در مقام بیان نباشد، اصلاً اطلاق معنی ندارد.

هیأت نهی

- عبارت مرحوم آخوند که فرموده است: اگر از این جهت در مقام بیان باشد، در واقع به این معنا است که اگر اطلاقی باشد.
- برای احراز در مقام بیان بودن، یک اصل عقلائی داریم که می‌گوید هر گوینده‌ای که سخن می‌گوید از همه جهت در مقام بیان است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. که این هم معمولاً نادر است و بعضی موارد آن هم محل اختلاف است.

هیأت نهی

- در نهایت باید گفت مدلول صیغه فقط حرمت است اما اینکه این حرمت کدام یک از این سه قسم است، هیچ دلالتی ندارد و برای دلالت بر هر یک به قرینه یا یک دال غیر از صیغه نهی نیاز است که این دال دیگر می تواند اطلاق صیغه باشد.
- بنابراین نتیجه بیان مرحوم آخوند این می شود که نهی به اطلاق بر استغراق دلالت می کند.